

Etymology of Talysh Language's Domestic (Home) Vocabulary

***Aleksander Umnyashkin**

Abstract:

Carried out research of comparative domestic (home) lexicology of Talysh language in stratum of general Iranian linguistic indicated the urgency of the problem and necessity of conducting for wide comparison Talysh with Ancient and Modern Iranian languages what'll bring in the nearest future the valuable practical facts for Iranian Philology. In domestic (home) vocabulary of Talysh language has a lot of loanwords from other language's families. Article provides detailed etymological analysis of this loanwords.

Key words: Talysh language, etymology, domestic vocabulary, loanwords, Iranian languages

ریشه‌شناسی زبان معیشتی تالشی

*الکساندر اومنیاشکین

چکیده:

بررسی واژگان تطبیقی روزمره زبان تالشی در رشته‌ی ایرانشناسی نشان از ضرورت مسئله و نیاز موجود برای مقایسه گسترده تالشی با زبانهای ایرانی باستان و مدرن دارد که در آینده نزدیک می‌تواند به زبانشناسی ایرانی مطالب واقعی با ارزش را ارائه دهد. در واژگان و واژگان روزمره این زبان، می‌توانید کلمات وام گرفته شده از زبان سایر خانواده‌ها را پیدا کنید، تجزیه و تحلیل دقیق اخلاقی آنها ارائه می‌شود. نمونه‌هایی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است نشان می‌دهد که بسیاری از اتصالات ریشه‌شناسی بین کلمات گمشده در تالشی مدرن و حتی در زبان فارسی باستان با استفاده از مواد زبان‌های هند و اروپایی، آلتایی و سامی قابل ترمیم است. این همبستگی‌ها به شما امکان می‌دهد تا باستانی‌ترین ظاهر کلمه مورد تحلیل را بازیابی کنید، پسوند‌های باستانی را در آن برجسته کنید، که این روزها دیگر به این صورت درک نمی‌شوند، برای تعیین اینکه چه معنایی در این کلمه در طول تاریخ توسعه آن تغییر کرده است. مکاتبات فاش شده غنیترین آثار برای بازیابی تاریخ باستانی کلمات، برای روشن شدن موضوعات پیچیده مربوط به اخلاق آنها است. یک مطالعه تطبیقی تاریخی از زبانهای خانواده ایرانی، که در دهه‌های اخیر به لحاظ مطالعه تاریخ و هر دو زبان فردی و گروه‌های اصلی ژنتیکی انجام شده است، مبنای کافی و محکمی را برای ایجاد توضیحی در این جنبه از کل خانواده ایرانی به طور کلی ایجاد کرده است.

کلید واژه‌ها: زبان تالشی، ریشه‌شناسی، واژگان داخلی، وامهای واژگان، زبانهای ایرانی

*مرکز آموزش زبانهای باستان و معاصر "گلسا" باکو، انربایجان ittihaf@yahoo.com

پذیرش مقاله 10-07-2020

دریافت مقاله: 11-05-2020

زبان یکی از حوادث قدیمتر و مهمتر اجتماعی می باشد. توجه علمی به زبان به عنوان حادثه تاریخی در قرن نوزدهم موجب پیدایش رشته وسیع زبانشناسی – مقایسه ای تاریخی گردید. گل سر سبد اولین مطالعات مقایسه گرایان پیدایش ریشه شناسی و تحلیل ریشه ای کلمه شد. (6) بعد از مقایسه ی ریشه شناسی تک تک کلمات و سپس ترکیبات زبان زبانشناسان به این نتیجه رسیدند که زبانهای هند و اروپایی از یک خانواده هستند و ریشه فارسی باستانی آنها بعدا با کمک تحلیل شباهتهای دستوری به اثبات رسیده است. (12) مبحث ریشه شناسی به عنوان قسمت زبانشناسی عبارت از کاوشهای منابع و فرایند شکلگیری واژه ها و بازسازی واژگان دوره ی باستان زبان می باشد. در واژگان هر زبان زخیره مهم واژه ها هست که شکل کلمه با مفهوم آن برای گویندگان بومی معلوم نیست. چون ساختار کلمه با مدلهای تشکیل کلمه در زبان زنده قابل توجیه نیست. هدف تحلیل ریشه شناسی کلمه مشخص می کند که چه وقت و در کدام زبان، در کدام مدل اشتقاق، بر اساس چه ماده زبانی و در چه شکلی و با چه مفهومی کلمه بوجود آمده است، همچنین در شکل و معنای اولیه اش چه تغییرات تاریخی اتفاق افتاده است. رابطه محکم زبان و فرهنگ ایران باستان با زبان و فرهنگ اقوام ولگا، اورال، سیبیری، آسیای صغیر و مصر حدود شش-چهار هزار سال قبل از میلاد برقرار شده است که ملل ترک، اسلاوی، فینوگیگ را تحت تاثیر خود قرار داده است. این تاثیر در دوره سه هزار- یک هزار پیش از میلاد قویتر شد و در هزاره اول و دوم بعد از میلاد در شرایط گسترش مسیحیت و اسلام از سرعتش کاسته شده است. ارتباط اولیه و خارجی زبانهای خانواده های مختلف واقعا خیلی جامع بود و کاملا غیر قابل اثبات باقی مانده است. (2) پژوهش آنها با روشهای مقایسه ای و تاریخی، نوع شناختی مقایسه ای بر اساس زبان گفتاری و نوشتاری نشان می دهد که گزارشهای این ارتباطات و نتایج آنها اهمیت بزرگ نظری و عملی دارند. این نتایج نه تنها برای زبانهای بزرگ و کوچک اروپا، آسیا، خاور نزدیک و حتی برای کشورهای ماریبا هم اهمیت ویژه ای دارد. (10) یکی از باستانترین زبانهای ایرانی زبان تالشی است که در مورد آن خیلی کم پژوهش انجام شده است.

جدول پایه کلمات زبان تالشی در مقایسه با دیگر زبانهای هند و اروپایی

زبان تالر شی	Ма нг	Нуй	Моâ	Новâ	шâv	вын и	се	сийо	зард	Нав з
زبان فارسی	Mâh	Now	Mâd ar	xâhar	Šab	bini	se	siyâh	zard	Sabz
پشتو	myā	nəva	Mōr	Khōr	Shpa	pōza	dre	tōr	zhaṛ	Shin

	sht	y								
زبان روسی	Мес яц	Нов ый	Мат ь	сестр а	Ноч ь	нос	три	чёрн ый	жёлт ый	Зелё ный
زبان انگلیسی	mon th	New	mot her	Sister	night	nose	thre e	black	yello w	Gree n
زبان اوستیایی	Mæ й	нæу- æg	мад	Хо	Æхс æв	фын дз	æрт æ	caу	бур	Цъæ х
زبان لاتینی	Mēn sis	Novu s	māte r	Soror	nox	nasu s	trēs	āter, niger	flāvu s, gilvu s	Viri dis
زبان آلمانی	Mon at	Neu	Mutt er	Schw ester	Nach t	Nas e	drei	schw arz	gelb	Grün
زبان اسپانیایی	Mes	Nuev o	mad re	Herm ana	noch e	nari z	tres	negro	amari llo	Verd e
زبان لیتوانیایی	Mēn uo	Nauj as	moti na	Sesuo	nakti s	nosi s	trys	juoda	gelto na	Žalia s
زبان بلغاری	Мес ец	Нов	май ка	Сест ра	Нощ	нос	три	чере н	жълт	Зеле н

تالشها قومی هستند که در جنوب آذربایجان (شهرستانهای لنکران، ماسالی، یاردملی، لریک و آستارا) و در شهر سومقاییت سکونت دارند که این هم یک سوم مردم است، در باکو و اطرافش هم زندگی می کنند. علاوه بر این در پنج شهرستان گیلان و بعضی مناطق استان اردبیل ایران، در کنار دریای خزر و در کوههای تالش سکونت دارند. (13) تعداد تالشها در آذربایجان دقیق نیست و گزارشها خیلی متفاوت است. (از 76 هزار تا نیم میلیون) در آذربایجان مطالعات مخصوص انجام نمی شود که گویندگان زبان تالشی را می توان بر اساس آن آشکار کرد و زیر دست ما همان اطلاعاتی هست که از طرف انستیتوهای خارجی انجام یافته است. تعداد گویندگان زبان تالشی از جنوب از شهرستان آستارا به شمال تا رودخانه

ویش در شهرستان ماسالی کمتر می شود که در اوایل قرن بیستم مرز طبیعی بود که ب.و. میلر (3) به آن مرز شمالی مردم تالش گفته است.

زبان تالشی مربوط به گروه شمال غربی زبانهای ایرانی است و از لحاظ واژه شناسی یکی از غنی ترین زبانهای دنیا می باشد، واژگان آن عبارت از کلمات تالشی و ایرانی است. زبان تالشی از لحاظ ریشه ای مربوط به زبانهای شمال-غرب گروه زبانهای ایرانی است و با زبانهای کردی، بلوچی، گیلکی، تاجیکی، مازی، ارموری، پاراچی، فارسی، دری، یاگنبی هم ریشه است. ولی شرایطی که اقوام کوچک قرار می گیرند جریانهای رشد زبان تالشی را هم تعیین می کند. زبان تالشی در رسانه های عمومی کاربرد ندارد: در صدا و سیمای آذربایجان برنامه هایی به زبان تالشی پخش نمی شود، چنین وضعیت در رسانه های عمومی هم مشاهده می شود. فقط روزنامه ی "تالشی صدا" با فاصله ها چاپ می شود. زبان تالشی فقط در کلاسهای اول و دوم دبستان بعد از کلاسهای اصلی تدریس می شود. بدین ترتیب در حال حاضر زبان تالشی زبان گفتاری قسمتی از مردم است، سبک نوشتاری آن (رسمی، علمی، رسانه ای و ادبی) خیلی کم موجود است و حتی می شود گفت اصلا وجود ندارد.

برای فهم یک زبان باید به گویندگان آن زبان مراجعه کرد. واژگان یک زبان را نمی توان بدون درک خود گوینده ی همان زبان تحلیل کرد و قبل از همه واژگان زبان روزمره مردم را باید تحلیل کرد. معلوم است که زبان روزمره قدیمترین قشر هر زبان می باشد و همیشه مورد توجه زبانشناسان است. در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم زبان روزمره مورد توجه ویژه ی زبان شناسان قرار می گیرد، در حالی که مشکلات جهانی شدن، همگرایی و غنی شدن فرهنگها موجب حل و فصل تحمل مسایل ارتباطات بین فرهنگی از جمله مسایل افزایش کارآرایی آموزش واژگان زبان می شد. با اینکه زبانهای ایرانی یک ریشه واحد دارند، ساختار آوایی این گروه زبانها تفاوتهای تلفظی دارند. [5,11] در زبان تالشی واحدهای واژگانی بر اساس قواعد آوایی زبان مورد تغییر زیاد قرار گرفته و کلا "تالشی" شده است. مثلا:

س (سر) – این زبان در زبانهای باستان ایرانی به صورت "سره" تلفظ می شود، در زبان میانه یا

پهلوی "سار"، بعدها در فارسی، تاتی، اوستیایی "سر"، در تاجیکی، بلوچی، یاگنبی، افغانی، ایشکاشیم "سار"، در کردی "سری/سر" تلفظ می شود.

اسب – در زبان فارسی باستانی به شکل "اسپا" در فارسی میانه "اسپ"، در فارسی امروزی "اسب"، در زبانهای کردی "هسپ//اسپ"، تاتی، افغانی "اس"، در اوستیایی "افسه" تلفظ می شود.

هفت – این عدد در زبانهای باستان به شکل "هاپتا"، در میانه و امروزی "هفت"، در زبان تاتی

"هف//هفتا"، در بلوچی "آپت"، در کردی "هوت"، یاگنبی "آفت"، در اوستیایی "آود"، در افغانی "آوو"،

زبانهای یازگولم و ایشکاشیم "اوود"، در تاتی و تالشی "هفت" تلفظ می‌شود.

"ترس" – این فعل در زبانهای فارسی باستان، همچنین در فارسی میانه، تاجیکی، تالشی به صورت "ترس"، در فارسی امروزی، تاتی، کردی، اوستیایی، یاگولم "ترس"، در بلجوی "تروسس"، در ایشکاشیم "تیروس" تلفظ می‌شود.

حقایق زبان در مورد زبانهای ایرانی نشان می‌دهد که در یکی از آنها ویژگی‌های متعدد زبانهای باستان فارسی حفظ می‌شود تا در دیگران کمتر. در زبان تالشی ویژگی‌های باستانی زبانهای ایرانی در حد بیشتر حفظ شده است. ویژگی صدای اوستا و فارسی میانه صدای اولیه "و" در زبان تالشی حفظ می‌شود در حالی که در زبان امروزی فارشی این صدا به صدای "ب" تبدیل شده است.

زبان روسی	فارسی	زبان تالشی	زبان اوستایی
Ветер	Bad	vo	Vata
Много	Besyar	Ve	Vahyar
Дождь	Baran	Voş	Vara
Рай	Beheşt	vəşt	Vahista
Снег	bərf	Va	Vafra
Лес	Bişe	vişə	varəşə
Нос	Bini	Vini	Vaena

عدد "بیست" در زبانهای فارسی میانه و تالشی به صورت "ویست" است، ولی در فارسی امروزی به شکل "بیست"، فعل "کاشتن" در فارسی میانه به صورت "وختن"، در زبان تالشی "ویته" اما در فارسی مدرن "بیختن" بیان می‌شود.

بدین ترتیب آموزش مقایسه‌ای واژگان شناسی زبان تالشی در لایه زبانهای ایرانی اهمیت زیاد دارد. نیاز به مقایسه تالشی و زبانهای باستان و امروزی ایرانی خیلی بیشتر است و این کار در آینده نزدیک می‌تواند به زبانشناسی ایرانی مطالب واقعی با ارزش را ارائه دهد. در واژگان این زبان می‌توان کلمات وام گرفته شده از زبان سایر خانواده‌ها را پیدا کرد. با در نظر گرفتن این واقعیت، واژگان زبان تالشی را بر اساس پیدایش به دو گروه تقسیم کردیم: نشانه‌های تالشی و دیگر زبان‌های ایرانی؛ نشانه‌های وام گرفته شده از زبان‌های دیگر. انتقال صدا در کلمات وام گرفته شده زیر دیده می‌شود:

واکه‌ها:

"у, пул > пул", "У>ү, тула > тул", "توله" > дула, "زندان, زندانی" > учуз, "үчүз ازاران".

У > o, "در وسط و آخر واژه" горуг > ғороғ: جنگل, مراتع "борғу > бурғу /مته",
 "бороғ > буроғ" ғоллоғ > гуллуғ, "خدمت".
 и, "در وسط و آخر کلمه" овчу > овчи//офчи; شکارچی "гороғчи > горугчу",
 "نگهبان مرتع" бојунбағы > бојинбағи, "گردنبند", ғоти > гуту, "جعبه".
 Θ > a, ы, e, ү, o, "در هر جای واژه تبدیل به می شود" һүрмәт > һөрмәт حرمت көч,
 "күч > کوچ" өкәј > orәј, "ئاتنى" јеркөкү > јеркүкү, "هويچ" нүмрә > нөмрә, "نمره",
 "гол > көл" чәмчә > чамчә, "ملاقه" еһдә > еһтә/етә, "عهده" сојбәт > сөһбәт,
 "صحبت" көрпә > корпә, "кодк" кок > көк, "چاق, چربی".
 A > ә, "در وسط و آخر کلمه" тапанча > тәпончә: تپانچه санчәх > санчаг,
 "سنجاق" ғонағ > гонаг, "مهمان".
 A > o, газан > ғәзон "диگ بخар" лол > лал, "گنگ" озғын > азғын, "سرگردан",
 این انتقال صدا اغلب در وسط و ابتدای کلمه مشاهده می شود.
 ы, "در وسط کلمه" сыртығ > сүртүк: بی پروا "кыры > күрү", "خويار" күнч,
 "жынч" дыгмә > дүјмә, "دگمه" ғыүллә > күллә, "گلوله".
 и, "در وسط کلمه" битов > бүтөв: کل: тифанг > түфәнк, "تفنگ".
 и, "در وسط و آخر کلمه" ғәјиш > ғајыш: کمرбند "арајиш > арајыш", "Араиш",
 "варли > варлы" җарлы.
 ы, "در وسط و آخر کلمه" ғапү > гапы: در "бүрүт > барыт", "باروت" јанғы,
 "жанғу" җәнғи.
 e, "در وسط کلمه" беғ > бығ; سبيل, "صامتھا"
 در قسمت صامتھا ، عمدتا انتقال صدا زیر مشاهده می شود:
 ғ, "در هر جا" гегерти > көјәрти: سبزی "ғыүллә > күллә", "گلوله" көзәл,
 "гозәл" кылынғ > күлүнк, "کلنگ" чәрге > чәркә, "جرگه" гәшәнг > гәшәнк,
 "қшнг" و غيره.

این پدیده به دلیل این است که در زبان تالشی در زبان تالشی واج ƙ وجود ندارد.

Г > ғ, х, "غاز" газ > ғаз "شکم" газан > ғарын, "отаг" отаг > ғонәғ "شمشیر" ғылынч > ғылынч "فәزون//فәзән" фәзон//фәзән "Итоғ//Үтоғ" .

انتقال Г > х فقط در آخر کلمه مشاهده می‌گردد:

"ахмаг > ахмәх" "بيچ" ахмаг > ахмәх, "احمق" *.

К > к, "кәлем" кәлем > кәләм "کلم" кәрпич > кәрпич, "آجر" кома > к, "күмә" көк > көк, "چاق، چربی" көрпә > көрпә, "بچه" кыры > күрү, "خويار" .
استفاده از k زبان متوسط در مقابل واكه پشت (katib "a" دبیر) نتیجه دو زبانه بودن است ،
زیرا این پدیده فقط در گفتار افراد باسواد یافت می‌شود.

ما کلمات وام گرفته شده در زبان تالشی را به سه گروه شناسایی کردیم: (1 ترکیسم ، 2) عربیسم ،
(3) وام های مربوط به اسلاویایی و سایر زبانهای هند و اروپایی.

ترکیسمها: تالشها در همان قلمرو جغرافیایی در همسایگی آذربایجانی های ترک زبان زندگی می کردند ، با اینکه این دو قوم که متعلق به گروه های مختلف زبانی بودند ، قرن ها به دلیل اقتصاد متقابل ، پیوندهای فرهنگی و اجتماعی خود نزدیک شدند و این پیوندها شرایط مهمی را برای ورود ترکیسم به زبان تالشی ایجاد کرد. امروزه در ترکیب واژگانی زبان تالشی چنین ترکیسمها وجود دارند که در یک زمان با اشغال یک جایگاه ویژه در واژگان زبانهای ترک از جمله آذربایجانی ، اکنون از بین واژگان فعال زبان خارج شده اند و برخی نیز تنها در واژگان منفعل مانده اند. در دشت ها و کوهپایه های مناطق ماسالی و لنکران که جمعیت ترک زبان در شمال زیاد است تعداد بیشتری از کلمات ترک را در واژگان این مناطق در مقایسه با جنوب بیشتر می بینیم. در اینجا واژگانی کشف شده است از جمله:

آلد - در کلیه منابع مربوط به زبانهای ترکی ، به جز مفهوم اصلی کلمه "قرمز" ، معانی دیگری نیز وجود دارد که عبارت است از: "پوشاندن پوشش زین اسب" ، "پوشاندن سر سرپوش عروس" ، "روسری قرمز" [9] حتی در زبان اویغور ، کلمه "ال" به معنای "میخک" به کار می رود. در زبان آذربایجان امروزی ، کلمه "al" به معنی قرمز به عنوان صفت استفاده می شود. در فرهنگ لغت دیالکتیکی زبان آذربایجانی ، به گویش های قزاقستانی و بردینی آن ، معانی کلمه "دروغ" ، "ترفند" آورده شده است. علاوه بر این ، در بناهای نوشته های ترکی باستان ، علاوه بر مفهوم "قرمز" ، کلمه "ال" در معانی "حیله گر" ، "فریب" نیز به کار می رود. نظر آ. رجبوف [8] در مورد کلمه "ال" بسیار جالب است که با استناد به اصطلاح شناسی این کلمه می نویسد: "در زبان آذربایجانی مدرن ، این کلمه به معنای

اصلی خود استفاده نمی شود بلکه به عنوان " فریب "، " فریفتن " است.

کلمه "آلد" از زبان ترکی باستان ترکی (اسم-فعل) به معنای "ال" شکل گرفته است. ممکن است افعال به کار رفته در زبان آذربایجانی و مطابق ساختار مورفولوژیکی که به اجزای $al + da + t$ و $al + n$ تقسیم نمی شوند ، از نظر تاریخی نه با پسوند "دا" بلکه با پسوند "لا" بلکه عناصر بیگانه شکل گرفته اند. t و "n" (مانند افعال $öyrət$ (یاد بده) ، $öyrən$ (یاد بگیر) ، $öyrəş$ (یاد بگیر)) انواع معنایی فعل را شکل می دهد (" t - صدای اجباری فعل (شکل اجباری) ، " n - شکل بازتابی ، " $ş$ " یک شکل مختلط است). می توان فرض کرد که در فعل "alla" تغییر صدا "l" به "d" نتیجه انتشار است. لازم به ذکر است که شکل همان فعل "آلدات" - برای بفریب ، در آثار مکتوب ترکی به طور گسترده استفاده می شود [1].

م. رحیم اف ، با اشاره به عبارت "ald karde" در زبان تالشی ، متذکر می شود که اولین مؤلفه کلمه "ald" به معنای "دروغ" ، "ترفند" استفاده می شود ، و در مورد صامت "d" در کلمه "ald" استفاده می شود. به نظر ما ، در این شکل از این فعل نقش پسوند را ایفا می کند و نه بیشتر. در هر صورت ، شکی نیست که کلمه "ald" بر اساس اسم ترکی باستان "al" بنا شده است. [1] کلمه ترکی "ald" تقریباً در تمام لهجه های زبان تالشی استفاده می شود. جالب است که در زبان تالشی افعالی با اصالت ترکی "aldatmaq" و "aldanmaq" نیز وجود دارد. آنها به همراه فعلهای کمکی karde (برای انجام) استفاده می شوند و به شکل "aldatmış" و "aldanmış" می شوند ، به عنوان مثال: $Mınış$ $aldatmış$ $karde$ (مرا فریب داد). Az $aldanmış$ $bedəm$ (من فریب می خورم).
الگو - این کلمه در تالشی به معنی "اندازه گیری ، اندازه" است ، به عنوان مثال: $Kəybə$ $qılqı$ $peqət$ (اندازه گیری درب ها را انجام دهید) ، $ülqı$ $qəte$ (اندازه گیری ها را انجام دهید).

در زبانهای ترکی ، کلمه "qılqı" به اشکال آوایی مختلف رخ می دهد. بنابراین ، در زبان ترکمنی از آن به عنوان " $ülnübi$ " استفاده می شود ، در زبان های آذربایجانی ، کومکی ، آلتایی ، قرقیز ، خاکس " $ülqı$ " ، در زبان چاوشی " $ölke$ " ، نوگی " $ülqı$ " ، ازبکی " $ulqı$ " ، اویغور " $ülqə$ " ، در توین " $üleqer$ " .

وامگیری از زبان آذربایجانی. لازم به ذکر است که رابطه بین زبانهای آذربایجانی و تالشی به دوران باستان برمی گردد ، به ویژه که توسط واحدهای واژگانی موجود در زبان تالشی نشان داده شده است ، همچنین در آثار نوشته های ترکی باستان ثبت شده است، به عنوان مثال:

B y n g : $andjand$ $byngyşh$ $cardə$ "او در اندوه است". در فرهنگ لغت ترکی قدیمی ، ما

آن را با همین معنی می‌بینیم: گا دا ، oylanım jita "در غم و اندوه پسریم ، اندوهناکم" [1 ، ص 124].
 zynəjdəni fər nyje ، Kırtm Kır: Kırtmə lyngishi heste "او دارای پاهای کوتاه است ،
 او نمی‌تواند به خوبی راه برود." در فرهنگ لغت ترکی باستان ما می‌بینیم - qirt saç "موهای کوتاه"
 qirt ot "چمن کوتاه" [1 ، ص. 446].

F а т ы ғ: به اصطلاح چاشنی گوشت تالشی ، خورشت گوشت برای پلو. F а т ы ғ: Һозо
 кардеро чыл кило гүжд лозиме هر سال "برای پخت و پز Ға т ы ғ به 40 کیلوگرم گوشت نیاز
 دارید.." در فرهنگ لغت ترکی باستان به معنای "افزودنی" آورده شده است [1 ، ص. 435].
 К ы р ч: در فرهنگ لغت ترکی قدیمی از آن به شکل qurc به معنی قوی استفاده می‌شود -
 bu işka edi qurc qatijer keräk "برای چنین موردی ، شما به مردی بسیار قوی و شجاع احتیاج
 دارید." [1 ، ص 167] - Ym nın ve kırce ، chyy dandong əj and nibəgate "این نان بسیار
 سخت است ، دندان های من نمی‌توانند آن را تحمل کنند."

علاوه بر این ، برخی از کلماتی وجود دارد که در لهجه ها و گویشهای های زبان آذربایجانی به
 کار می‌رود ، اما در زبان تالشی قدیمی ترین ظاهر آوایی خود را حفظ می‌کنند. این موارد شامل ، به
 عنوان مثال: F aj F y / QAJYU / - čeriglärni گ aralarida köp telim boldi uruşy el
 kö künlärni گ üllärdä köp telim boldi qajyü "بسیاری از نبردها بین سربازانشان وجود
 داشت ، [غمهای زیادی وجود داشت ، c07] و به و z / İKKİZ / - ikkiz oylan "دوقلوها" [1 ، ص.
 207] / -čekürgä / ČEKÜRGA / əEKÜRGA "ارتش ، / بزرگ / ، مثل ملخ" [1 ، ص. 143].
 واژگان روزمره زبان تالشی از کلمات و اصطلاحات بی شماری استفاده می‌شود که علت اصلیش
 دو زبانه بودن جمعیت آن است. بیشتر آنها اسمی هستند که ما به شرح زیر طبقه بندی کرده ایم:

1. اسامی وسایل خانگی: бошхаб//бошґгаб // بشقاب "بشقاب" ، Ғəзəн//Ғəзəн "دیگ"
 күлґаби "جاسیگکاری" ، чамче "آبگردان" ، ғыјмә " " ، "گوشت چرخ کرده" ، сəрынч
 "کوزه".

2. نام لباس و جواهرات: doləf "دستکش" ، chəkmə "چکمه" ، əлчак " " ،
 "санчəх" ، ренчəк "سنجاق" ، "бојинбағи i" "گردنبند" ، ғолбағи "دسنبد" ахлығ "ارخالیق" .

3. اسامی قسمتهای خانه: ҫтоғ "اتاق" ، ғапү "درب" ، очəғ "اجاق" ، тəвүлә "طوبله" .

4. نام سبزیجات و گیاهان: истот "فلفل" ، сармашығ "عشقه" ، сарибоғдә "نوع گندم" ،
 күсəбоғдә "نوع گندم" ғызылгүл "گل سرخ" ، гегəрти "سبزیجان" ، Гобə алмәси "نوع سیب"

قوبا"

5. نام حیوانات و پرندگان: боғә "گاو"، түлә "توله"، ғаз "غاز"، хорүз "خروس"، дајчә "کره اسب"، чалаған "شاهین"

6. نام اصلحه: ғыүллә "گلوله"، тифанг "تفنگ"، ғондәғ "قنداق"، پشت تفنگ "топ", бешатлән "پنجبار"، тәпончә "تپانچه"، ғылынч "شمشير"، топпоз "تورى"، ғошәлүлә "اسلحه دو بشکه"، тәкәлүлә "тфнг", ох "тир"

7. اسامى ادوات کشاورزى، وسايل نقلیه و قطعات آنها: әрәбә "عربه"، ғырмәч "شلاق"، дәрғәз "پوسته"، jәhәр "زين"، котан "шخم زن"، шүм "шخم"، пәл "бил", хыш "خيش"

8. نامهای خویشاوندی: дәдә "پدر"، нәнә "мادر", jәзнә "داماد", балдүз "خواهر شوهر", ғәјнәнә "مادرشوهر", бачәнәғ "باجاناق"، ғәјн ғәјнә "برادر زن", огәјә нәнә "نامدری", jәнгә "زنى كه عروس و داماد را همراهى مى كند", елчи "خواستگار".

9. اسامى شغلها: гиәмичи "кштийан", гәзәтчи "روزنامه فروش", гезәтчи "نگهبان", дерзи "خياط", ғапүчи "дربан", ғәролчи "ديده بان", ғоллоғчи "كارمند", чәкмәчи "كفاش", чобан "چوپان", мешәбәги "جنگلبان", әрәбәчи "درشکه چی", овчи//офчи "شكارچی", илхычи "دامدار", ојнәш "عاشق", чалғичи "نوازنده", тојбәги "داماد".

9. اسامى امراض: боғмә "ديفتري", сарилығ "زردى", ғызылчә "سرخك", инәғ "سرفه", ғызмә "تب".

10. اسامى غذاها: ғәјғәнәғ "نيمرو"، бозбаш "آبگوشت", долмә "دلمه", говормә "گوشت سرخ کرده", доғрәмәч "دوغ با خيار", ғатығ "ماست".

11. اسامى گوناگون: чәргә "جرگه", ортәғ "شريک", охшәр "شبيه", басәбас "شلوغى", sorex "اخبار", jурд "مسكن", сәк-сәкә "هوشياری", әмәгүни "روز کارى", то "همسن", тәкон "تكان", доғ "داغ", сығнәчәғ "پناهگاه", ғәдәғән "ممنوع", ғыјғәчи "مورب", jатәчәғ "بستر".

به نظر ما ، تأثیر کلمات وام گرفته شده با اصالت ترکی بر سیستم فعل زبان تالشی که توسط ما آشکار گردیده است بسیار جالب است. بنابراین ، در زبان تالشی ، برخی از افعال که بر اساس فعلهای کمکی "be" و "karde" شکل گرفته اند (قسمت اول از زبان آذربایجانی وام گرفته شده است (پسوند "miş") با صفت های فعل استفاده می شود.

در یک زمان ب. میلر [4] هفده تا چنین فعل را نشان داد ، اما اکنون تعداد آنها بسیار بیشتر است ، به عنوان مثال: seçilmiş be (انتخاب شدن) ، görüşmüş be (ملاقات کردن) ، aldalmış karde (فریفته شدن) ، baştemiş karde (شروع شدن) در زبان تالشی ، اکثر افعال از این نوع که قبلاً تابعیت کسب کرده اند مترادف جایگزین با پیدایش ایرانی دارند ، به عنوان مثال: - keçmiş be - davarde (پاس) ، seçmiş karde - vıjne (انتخاب شدن) ، - else azmış be (گم شدن) ، incimış be - qirəy karde (رنجیده شدن).

با وجود این واقعیت که ترکیسم در واژگان روزمره یافت می شود ، اکثر کلمات از زبان لغوی ایران آمده است. کلمات وام گرفته شده به سختی از لحاظ معنایی و آوایی با "نمونه های" ترکی خود متفاوت است. این نشان می دهد که این وام ها از زمان های اخیر است: حدود قرن نوزدهم و بیستم ، یعنی دوره ای که ابتدا آذربایجان به عنوان یک واحد سرزمینی امپراتوری روسیه شناخته شد ، و بعد از آن یکی از کشورهای اتحاد جماهیر شوروی. باید توجه ویژه ای به این نکته داشت که زبان آذربایجانی درصد بالایی از واژگان غیر ترک را دارد: کلمات عربی ، فارسی. این امر تجزیه و تحلیل واژگان تالشی را برای وام گرفتن دشوار می کند: بعضی اوقات مشخص نیست که این کلمه وام گرفته شده از ترکی است یا به عبارت مشروط ، یک کلمه "مسلمان کلی" با اصالت فارسی یا عربی است. ترك کردن زبان تالشی همچنین با سیاست تغییر نام اصطلاحات نیز تسهیل می شود ، به عنوان مثال: نام مراکز منطقه ای لنکون (در لنکران) ، لیک (لریک) ، اوسترو (آستارا) ، ماسالو (ماسالی) ، روستاهای اوزوبیزهون (در گونشلی) ، مادو (در محمودوار) ، آکون (آرکیوان) ، آرچون (آرچیوان) ، **رواکانو (چایغیراقی)**

وامگیری از زبان عربی. در واژگان زبان تالشی کلمات زیادی با منشأ سامی و حامی وجود دارد. این وام ها عمدتاً از اسم تشکیل شده است و به دو گروه تقسیم می شوند: 1) وام های عربی که دچار تغییر آوایی نشده اند. 2) وام های عربی که دستخوش تغییر آوایی خاصی شده اند.

وام های عربی ، که در گروه اول قرار داشتند ، به زبان تالش تغییر یافتند ، عمدتاً از طریق زبان آذربایجانی : **abad, aid, alicənab, amin, bəzi, bələd, daim, dəbbə, dərs, dərc, elm, əməl, əmr, zat, zəlil, ziyarət, zillət, idarə, missal, mədəni, məktub, millət, rəhmət, sənət, sərf, tabe, tale, tarix, təbliğat, tüccar, üzr, xələt.**

وامهای عربی موجود در گروه دوم با قوانین آوایی زبان تالشی مطابقت داشت: ox1 (پایان) ، **əzob** (عذاب) ، mamü // amü (دایی ، پدرانه) ، zəqqov (تلخ) ، (seyd) ، سید gəv (تابوت).

همانطور که توانستیم شناسایی کنیم ، خصوصیات آوایی زیر مشخصه وام های عربی در زبان تالشی است:

الف) جایگزین کردن واکه "الف" با مصوت "o": **kitab** (کتاب) ، **ociz** (درمانده) ، (**dələlət** اثبات) ، (**dəllol** واسطه گر) ، **imom** (امام) ، **kofir** (هیرتیک) ، **kosib** (فقیر) ، **libos** (لباس) ، (**mismor** نمانخن) ، **rozi** (محتوا).

ب) (جایگزین کردن واکه "الف" با مصوت "od": **od** (آدم) ، **əmon** (امان) ، **zəmon** (زمان) ، **həlol** (حلال) ، **hərom** (حرام)

ج) به این دلیل که در زبان تالشی واژگان "ö" و "ü" در وام های عربی وجود ندارد ، جایگزینی آنها با سایر مصوت ها مشاهده می شود: **dəvlət** (دولت) ، **zıkom** (زکام) ، **dıvo** (دعا) ، **ruf** (روح) ، **nür** (نور)

د) (جایگزین کردن صامت "q" با "ğ": **ğab** (قاب) ، **ğanun** (قانون) ، **ğələm** (قلم) ، **ğıbon** (قربان) ، **ğəlb** (قلب) ، **ğənd** (قند)

وامگیری از زبان اسلاوی. ورود آذربایجان شمالی به روسیه زمینه را برای ورود برخی اسلاوها به زبان تالشی و همچنین زبان سایر اقوام ، برای مدت طولانی در کنار هم زندگی کرد و متعاقباً شکل گیری اتحاد جماهیر شوروی این روند را تقویت کرد. در نتیجه ، به همراه زبان سایر اقوام ساکن در اتحادیه ، انتقال اسلاوها و همچنین به کمک زبان روسی و نشانه ها از زبان سایر اقوام اتحاد جماهیر شوروی به زبان تالشی شدت گرفت.

علیرغم این که وامهای روسی از طریق زبان آذربایجانی به زبان تالشی وارد شد ، آنها با قوانین آوایی زبان تالش مطابقت داشتند که در جدول زیر به وضوح مشاهده می شود:

زبان روسی	زبان آذربایجانی	زبان تالشی
Акт	Akt	əxt
Банка	banka	bənkə
Вагон	vaqon	vəğon
Магазин	mağaza	məğəzen
Мотор	motor	Matür
Самовар	samovar	siməvar
Станция	stansiya	ıstansiyə
Печь	Peç	Piç
Шкаф	Şkaf	Işkaf

شایان ذکر است که وام های از زبان روسی ، مانند عربی ، فقط از اسم تشکیل شده است.

همانطور که در وام های سایر زبانها ، در روسیزم ، واکه "الف" جای خود را با "واکه" روسیزم جایگزین می کند ، مقلا، **əğrənom** (کشاورز)، **bəŋq** (بانک)، **rəyon** (شهرستان)، **salon** (تالار)، **bütülkə** (بطری)، **pensiyə** (باز نشستگی)

نمونه هایی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است نشان می دهد که بسیاری از اتصالات ریشه شناسی بین کلمات گمشده در تالشی امروزی و حتی در زبان فارسی باستان با استفاده از مواد زبانهای هند و اروپایی ، آلتایی و سامی قابل شناسایی است. این همبستگی ها امکان می دهد تا باستانی ترین کلمه مورد تحلیل را بازیابی کنیم ، پسوند های باستانی را در آن برجسته کنیم ، که این روزها دیگر به این صورت درک نمی شوند ، و مشخص کنیم که چه تغییراتی معنایی در این کلمه در طول تاریخ طولانی توسعه آن به وجود آمده است. ارزشمندترین نوشته ها برای بازیابی تاریخ باستانی کلمات ، برای روشن شدن موضوعات پیچیده مربوط به اخلاق آنها است. یک مطالعه تطبیقی تاریخی زبانهای خانواده ایرانی ، که در دهه های اخیر به لحاظ مطالعه تاریخچه هر دو زبان فردی و گروه های اصلی ژنتیکی انجام شده است ، مبنای کافی و محکمی را برای ایجاد توضیحی در این جنبه از کل خانواده ایرانی به طور کلی ایجاد کرده است.

منابع و ماخذ:

- ## -Древнетюркский словарь//под ред. Наделяев В.М., Насилов Д.М.,
Э.Р.Тенишев и др. Л., Наука, Ленинград 1969
- ## -Лингвистический энциклопедический словарь// М.: Советская
энциклопедия, 1990
- ## -Миллер Б.В. Талышские тексты // М.: 1930
- ## -Миллер Б.В. Талышский язык // Издательство Академии Наук СССР.
М.:1953

- ##-Персидско-русский словарь: в 2-х томах/ / под ред. Ю. А. Рубинчика. 3-
ى س до ; Т. II от ژ до Ё изд., стереотип. М., 1985. Т. I от
- ##-Пизани В. Этимология// М.: Наука, 1956.
- ##-Рагимов М. Значение неродственных языков на территории
Азербайджана в сравнительно-историческом изучение тюркских языков
огузской группы// Журн. «Советская тюркология», 1971, №2, с. 54-55
- ##-Раджабов А. Тюркизмы в талышском языке//АГУ, Баку, 1984
- ##-Сравнительно-историческое изучение языков разных семей.
Современное состояние и проблемы// М.: Наука, 1981
- ##-Таджикско-русский словарь/ / под ред. Е. Э. Бертельс. М., 1954
- ##-Трубачев О. Н. Этимология. Принципы реконструкции и методика
исследования// М.: Наука, 1965
- ## -Умняшкин А.А. Морфология соматической лексики талышского
языка. «Вестник ВЭГУ», №3(53), стр.107-113
- ## -Хаджатпур Х. Талышский язык Гиляна : Хушобарский говор// Диссер.
канд. филол. Наук, Душанбе, 2003
- ## -Clifton J. M., Tiessen N. The Sociolinguistic Situation of the Talysh in
Azerbaijan // SIL International 2005
- ##- Stachowski S. Die Turkischen Lehwörter im Talyschischen // 1983